

ادامه از صفحه اول

مسئولیت شهرداری در پلاسکو

ممکن است در اجزایی از بنا ضوابط و مقررات قانونی (اعم از ضوابط ایمنی و سایر ضوابط) رعایت شده باشد یا نه. مهم این پرسش است که کل بنا برای شهر خطرناک است یا نه؟ فرض بگیریم در یک بنا تمامی اصول و ضوابط ساختمان سازی و ایمنی و بهداشتی رعایت شده باشد به شکلی که این بنا را به یک بنای مستحکم و ایمن بدل کرده باشد؛ اما در بخش هایی از ساختمان، از قبیل واحدهای کسب‌وکار در مجتمع‌های تجاری یا واحدهای مسکونی در مجتمع‌های مسکونی رعایت نشده باشد. در این فرض اگر چه آن اجرا نایمن هستند اما کل بنا خطرناک نبوده و مشمول بند ۱۴ نمی‌شود. عکس این قضیه هم صادق است یعنی وقتی کل یک سازه از نظر معیارهایی مانند میزان پایداری، احتمال حریق، پله‌های اضطراری و مانند اینها نایمن و خطرناک باشد حتی اگر اجزا و واحدهای مستقر در بنا برخی ضوابط ایمنی را رعایت کرده باشند بازهم آن بنا به طور کل خطرناک و مشمول بند ۱۴ است. نکته بسیار مهم این است که در مجتمع‌های بزرگ که در آنها واحدهای کسبی یا واحدهای مسکونی وجود دارد مقررات خاصی فقط بر واحدهای مستقر در آن مجتمع حاکم است. مثلا در واحدهای مسکونی فعالیت تجاری نمی‌توان کرد یا واحدهای کسبی باید پروانه کسب داشته باشند یا اینکه واحدهای کارگاهی حسب مورد باید تحت نظارت بازرسی کار قرار داشته باشند. همه این قبیل مقررات فقط حاکم بر واحدا و اجزای درون بناست و ارتباطی با کلیت بنا و سازه ندارند اما موضوع بند ۱۴ ماده ۵۵ «ک» بنا و سازه است. ساختمان پلاسکو به گفته همه کارشناسان و ازجمله کارشناسان و مدیران شهرداری تهران به‌طورکلی بنایی خطرناک و نایمن بود؛ چنان‌که بنا بر اظهارات مقامات رسمی چیزی حدود ۳۰ نوبت اخطار به استناد بند ۱۴ ماده ۵۵ به مسئولان آن ساختمان ابلاغ شده بود. بنا بر شواهد موجود مالک ساختمان یعنی بنیاد مستضعفان به اخطارهای شهرداری ترتیب اثری نداده بود. در عرف اداری و حتی رویه قضائی معمولاً بعد از دو یا سه نوبت اخطار اگر مخاطب اخطار، به آن عمل نکند، مقام مسئول اقدامات عملی لازم را هر چه باشد به انجام می‌رساند. سؤال این است که چرا بعد از ۳۰ نوبت اخطار، شهرداری تهران هیچ اقدام عملی برای رفع خطر از ساختمان پلاسکو به عمل نیاورده است. روشن است که با ایجاد و حجم ساختمان پلاسکو حوادث آن تا حد چه فاجعه‌بار می‌توانست باشد. فرض کنیم این حادثه به‌جای آنکه حدود ساعت هشت صبح رخ دهد که هنوز بیشتر واحدهای کسبی کار خود را شروع نکرده‌اند و خیابان نیز هنوز خلوت است، در ساعت ۱۰ صبح یعنی دو ساعت دیرتر اتفاق می‌افتاد و ساختمان در حالی دچار آتش‌سوزی و ریزش می‌شد که هزاران نفر در آن رفت‌وآمد داشتند و خیابان نیز پر از خودرو و جمعیت عابران بود. در این صورت فاجعه چنان ابعاد می‌یافت که در تاریخ تمام کلان‌شهرهای جهان ثبت می‌شد. اخطارهای مکرر شهرداری تهران حکایت از آگاهی شهرداری از خطرات این ساختمان دارد اما شهرداری به چند اخطار بسنده می‌کند. ارسال رونوشت این اخطارها به چند دستگاه اجرائی و قضائی دیگر، همچون دادسرا، معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، وزارت کار و ...، با توجه به بند ۱۴ ماده ۵۵، نه رافع مسئولیت شهرداری تهران است و نه مسئولیتی متوجه آن دستگاه‌ها می‌کند. این رونوشت‌ها فقط به معنای آن است که شهرداری چیزی را که تکلیف خودش بوده، به اطلاع دیگران می‌رساند. وقتی به حکم بند ۱۴ شهرداری رأس مسئول رافع خطر است، جایی برای مداخله یا مسئولیت دادسرا یا وزارت کار یا... باقی نمی‌ماند. این درست است که به دلایلی از قبیل جمعیت کسبه ساکن در پلاسکو و تعداد واحدهای فعال در آن و آثار اجتماعی و اقتصادی این وضعیت، شهرداری از نظر اجرائی به‌سادگی قادر به برخوردهایی مانند پلمب نبوده اما اگر شهرداری دغدغه و تمرکز بر این‌ موضوع داشت در این سال‌های طولانی مسلماً امکان آن برای شهرداری بود که راه‌های مناسب برای ازبین‌بردن خطرات ساختمان پلاسکو یا کاهش آن را بیابد. از‌طرف‌دیگر نباید فراموش کرد که بخش بزرگی از مشکلات مربوط به اجرای عملی ماده ۱۴ درباره ساختمان پلاسکو و ساختمان‌های مشابه، بیش و پیش از هر چیز ناشی از به‌هم‌ریختگی گسترده الگوی برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و سیاست‌ها و برنامه‌های شهرداری در کلان‌شهر تهران و از‌هم‌پاشی نظم حقوقی این شهر است که عمداً از حدود اوایل دهه ۱۳۷۰ شروع شده و در دهه اخیر به شکلی بی‌سابقه و گسترده اوج گرفته است. با روش تراکم‌فروشی از سوی شهرداری تهران و تغییر کاربری‌های غیراصولی یا اجازه ساخت‌وساز در مناطق ممنوع یا رعایت‌نشدن ضوابط بلندمرتبه‌سازی در هر نقطه از شهر یا احداث مجتمع‌های عظیم تجاری در نقاطی که از نظر معیارهای شهرسازی در درستی آنها تردیدهایی جدی وجود دارد و... از بخش عظیمی از مقررات و ضوابط شهری از قبیل طرح جامع، طرح تفصیلی، نحوه استقرار واحدهای صنفی در سطح شهر تقریباً اثری باقی نمانده است. فاجعه پلاسکو یا همه درناکی و بی‌ثباتی آن، می‌تواند فریاد بیدارباشی باشد برای همه دستگاه‌های اجرائی و تقنینی کشور که با اراده سیاسی و کارشناسی استوار، برای احیای نظم حقوقی این شهر، تهرانی را که هر لحظه بر لبه تیغ تیز حادثه گام برمی‌دارد از خطرات فاجعه‌بار روزمره ب‌رهانند.

مسئولان خوششان نمی‌آید مقصر مشخص شود

همین چندی‌پیش بود که اکبر ترکان، رئیس پیشین سازمان نظام مهندسی کشور، هم حادثه پلاسکو را ناشی از بی‌توجهی به نکات ایمنی ساختمان برشمرد. مسئولان آگاه‌اند، اما به گفته هوابی، خوشمان نمی‌آید مقصر پیدا شود تا جواب‌گو باشند.او در گفت‌وگوی خود با «شرق» می‌گوید: شهرداری تهران و وزارت راه‌وشهرسازی باید برادرانه درخصوص ساخت‌وساز تهران به یک جمع‌بندی درست برسند. به گفته او، نزدیک به ۱۲ سال است (از زمان شهرداری محمود احمدی‌نژاد تا امروز) که روابط شهرداری با دولت خوب نیست. اما نمی‌توان در پایتختی که روزها ۱۲ میلیون و شش‌ها هشت میلیون جمعیت دارد، نهاد حاکمیتی و دولتی و نهادهی که قانون و مقررات تصویب می‌کند، با شهرداری که مجری این کار است، زاویه داشته باشد.هوابی تصریح می‌کند این کار ضربه‌ای مهلک به تهران خواهد زد، چراکه پلاسکوهای دیگری هم وجود دارند که این بلا بر سر آنها هم خواهد آمد. چند حادثه در تهران رخ داده و گفتیم پیشگیری می‌کنیم اما گفتمان نکردیم و دوباره مشابه آن حادثه تکرار شد؟او با تاکید بر اینکه باید سهم مقصران حادثه مشخص شود، می‌گوید: باید سهم تقصیر را در این حادثه مشخص کرد و بخشی که مقصر شناخته می‌شود، پاسخ‌گو باشد تا دوباره این حوادث تکرار نشود. در پی آن باید، بدون رودربایستی با هرکسی که مقصر است برخورد شود و مماشائی صورت نگیرد.رئیس انجمن مهندسی سازه ایران می‌گوید: ضعف قوانین در حوزه ساخت‌وساز و نگهداری ساختمان، کوتاهی در انجام وظایف دستگاه‌های اجرائی و عمومی و کوتاهی مربوط به بهره‌بردار و مالکان ساختمان سه بخش آسیب‌زا در این حادثه بودند.

مقررات ملی اجرائی نشد

استاد دانشگاه صنعتی امریکبیر تهران به پیشنهاد قانونی اشاره می‌کند که در سال ۹۲، با هدف رفع این نقیصه تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

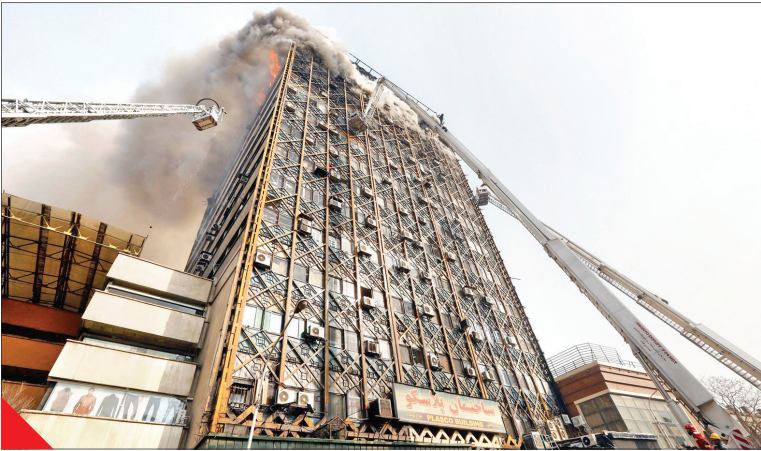
تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

تصویب شده بود: حوزه ساخت‌وساز کشور تا سه سال پیش

اقتصاد

مدیرکل سابق مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی در گفت و گو با «شرق»

حادثه پلاسکو ۳ مقصر دارد



عکس: عابدين طاهرنگار

به شهرداری بدهد. شهرداری‌ها هم باید هر سال در کنار بررسی و دریافت عوارض، گزارش فرد حقوقی را هم از نظر رعایت مقررات ملی در یک سال بررسی کنند.

بنیاد مستضعفان مسئول اصلی نیست

مدیرکل سابق مقررات ملی ساختمان وزارت راه‌وشهرسازی با اشاره به حادثه «پلاسکو» می‌افزاید: در ماجرای پلاسکو، شهرداری باید خواستار اجرائی‌شدن مقررات ملی ساختمان در حوزه ایمنی می‌شد، اما به خاطر اکتفا کرد، درحالی‌که باید طبق مقررات ملی ساختمان، اجرائکردن آن را به مراجع ذی‌صلاح قانون ارجاع می‌داد تا برخورد حقوقی درباره آن انجام شود. هوابی با نگاهی به مالک اصلی ساختمان هم می‌گوید: بنیاد مستضعفان مالک اصلی است و ساختمان را به شکل سرقفلی سال‌هاست واگذار کرده و این ساختمان هیئت‌مدیره داشت. طبق قانون بهره‌برداران مسئول اصلی هستند و نمی‌توان تقصیر را گردن بنیاد مستضعفان انداخت. او در پاسخ به اینکه «اگر سرقفلی واگذار شود همه مسئولیت‌ها بر گردن بهره‌بردار خواهد بود یا مالک هم مسئولیت دارد؟» می‌گوید: طبق قانون آیاتمان‌ها، هیئت‌مدیره و مدیر ساختمان در قبال مسائل شماعی و ایمنی مسئول هستند، اما درصورتی‌که ساختمان از نظر سازه‌ای در معرض تخریب و بحث هزینه کلی مطرح باشد، مالک مسئول خواهد بود، اما کیسول و شیر اطفاى حریق و مسائلی از این دست مربوط به بهره‌برداران است. رئیس انجمن مهندسی سازه ایران گفت در ساختمان تجاری با ۶۰۰ واحد که حتما منافع بالایی تجاری هم دارد، با چنده کیلون تومان، بسیاری از مسائل ایمنی را می‌شد رعایت کرد. به گفته او، دستگاه‌های مسئول که درست‌ست آنها شهرداری است، باید نسبت به ایمنی کامل این ساختمان و ساختمان‌های مشابه به وظایف خود عمل می‌کردند، زیرا در ماده ۳۴ قانون نظام مهندسی، مسئولیت اجرای مقررات ملی ساختمان در شهرها برعهده شهرداری است. شهرداری‌ها به سبب اینکه پروانه ساخت را صادر

کرده و پایان کار را هم می‌دهند، مسئول هستند. هوابی می‌افزاید: شهرداری تهران نباید اجازه می‌داد طبقات بالای ساختمان پلاسکو، تبدیل به کارگاه تولیدی شود، چراکه ایمنی ساختمانی که کارگاه است، با دفتر تجاری و میزان خطر این دو با هم متفاوت است. او تاکید کرد شهرداری باید قانون را اجرائی و وزارت راه‌وشهرسازی هم باید از این نهاد عمومی به‌عنوان ناظر عالی بازخواست می‌کرد، اما متأسفانه در شهر تهران دستگاه‌های دولتی در حوزه شهرداری دخالت چندانی نکرده‌اند. رئیس انجمن مهندسی سازه ایران با اشکال قانونی در زمینه تعریف جرم و مجرم در قانون ساخت‌وساز کشور می‌گوید: می‌پذیرم قانون ساخت‌وساز کشور مجرم و جرم را تعریف نکرده است و اگر امروز هرکسی در ساخت‌وساز تخلف کند، به‌عنوان یک متخلف شناخته شده و برخورد انتظامی با او می‌شود که درست نیست. او تصریح می‌کند: باید در قانون در زمینه ساخت‌وساز جرم تعریف و برای آن کیفر زندان یا جریمه تعیین شود.

با رودربایستی، باید فاتحه شهر تهران را خواند

او با انتقاد از عملکرد شهرداری در این زمینه چنین طرح پرسش می‌کند: چطور شهرداری وقتی یک مغازه، عوارض نمی‌دهد، به‌سرعت بنوجرسی (قطعات مدولار بتنی یا پلاستیکی) جلوی ورودی آن می‌گذارد، اما در یک ساختمان با این عظمت، هیچ اقدام قانونی‌ای نمی‌کند؟ هوابی البته در بخشی از سخنان خود می‌گوید: هرچند گفته می‌شود شهرداری تهران را این تخلفات مشکل داشته اما چندین سال با رودربایستی و محافظه‌کاری امروز و فردا می‌کند و کاری نمی‌کند. بیش از سه هزار ساختمان دیگر داریم، اگر با آنها هم چنین محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری شود، باید فاتحه شهر تهران را خواند. این مقام مسئول با بیان اینکه پدر شهر، شهرداری است، تاکید می‌کند: شهرداری حتما باید اقدامات سختگیرانه‌تری می‌کرد. به گفته او، هرچند شهرداری نمی‌توانست شغل آنها را تعطیل کند، اما با اعمال فشار مانند قطعی برق و آب با حکم قضائی می‌توانست مدیر و هیئت‌مدیره «پلاسکو» را مجبور به اجرای قانون کند.

وزارت کار مقصر اصلی نیست

او با اظهارنظری در زمینه اینکه برخی از اعضای شورای شهر می‌گویند وزارت کار جلوی پلمب پلاسکو را گرفته بود، می‌گوید: مسئول ایمنی کارگاه‌ها و ایمنی کار، وزارت کار است، اما این مقررات برای کارگاه‌های تولیدی است. در مسائلی از این دست که مراکز تجاری مطرح است، متطقی‌تر آن است که پای شهرداری را وسط بکشیم. وزارت کار جز نظارت دوره‌ای نمی‌تواند کاری کند. وزارت کار پس از بررسی که کاری نمی‌تواند بکند، آیا وزارت کار پروانه و پایان کار می‌دهد؟ اگر وزارت کار هم مقصر باشد، سهم آن کمتر از دو دستگاه دیگری است که قانون شفاف و واضح در این زمینه دارند. بنابراین ممکن است کاهلی شده باشد اما این وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی نیست.

وزارتخانه مقصر اصلی